

روى خط خبر

برنامه نمایش فیلم‌های ایرانی در کن



● جشنواره فیلم کن ۲۰۱۸ در چندین سانس میزبان نمایش فیلم‌های ساخته سینماگران ایرانی خواهد بود. «همه می‌دانند» به کارگردانی اصغر فرهادی که امسال فیلم افتتاحیه هفتادویکمین جشنواره کن است، اولین نمایش خود را از ساعت ۲۰:۳۰ روز هشتم می (۱۸ اردیبهشت) و بلافاصله پس از مراسم افتتاحیه در سالن «گرنه لومیر» جشنواره تجربه خواهد کرد. این فیلم اسپانیولی‌زبان با بازی «خاویر باردیم»، «پنه‌لوپه کروز» و «ریکاردو دارین» که در بخش رقابتی جشنواره کن برای کسب نخل طلای بهترین فیلم رقابت می‌کند، روز چهارشنبه، ۹ می (۱۹ اردیبهشت)، در ساعات ۸:۳۰ صبح و ۱۳ نیز دو نمایش دیگر در گرنه لومیر سالن اصلی کاخ جشنواره خواهد داشت. اما فیلم «س‌رخ» به کارگردانی جعفر پناهی که در بخش رقابتی حاضر است، روز ۱۲ می (۲۲ اردیبهشت) ساعت ۲۱:۳۰ در سالن گرنه لومیر برای اولین‌بار رونمایی می‌شود و دو نمایش بعدی آن نیز روز بعد، یکشنبه، ۱۳ می (۲۳ اردیبهشت)، در ساعات ۸:۳۰ صبح و ۱۳:۴۵ روی پرده می‌رود. فیلم کوتاه «تاریکی» ساخته سعید جعفریان که به‌عنوان نماینده سینمای ایران، یکی از فیلم‌های بخش رقابتی «فیلم‌های کوتاه» هفتادویکمین جشنواره فیلم کن است نیز در ساعات ۱۱ صبح و ۱۳:۳۰ روز جمعه، ۱۸ می (۲۸ اردیبهشت)، در سالن دیوبوسی و سالن پونوئل به نمایش درخواهد آمد و فیلم کوتاه «مثل بچه آدم» به کارگردانی آرین وزیردفتری که در بخش سینه‌فونداسیون جشنواره حاضر شده، روز ۱۶ می (۲۶ اردیبهشت)، ساعت ۱۴:۳۰ در سالن پونوئل این رویداد سینمایی به نمایش گذاشته می‌شود. فیلم «م‌ز» ساخته سینماگر ایرانی که به نمایندگی از سینمای سوئد در بخش نوعی نگاه جشنواره کن حضور دارد، روز پنجشنبه، ۱۰ می (۲۰ اردیبهشت)، در ساعات ۱۱:۱۵ و ۱۶:۳۰ در سالن دیوبوسی نمایش خواهد داشت و «فان‌هایت ۴۵۱» ساخته رامین بحرانی، فیلم‌ساز ایرانی – آمریکایی، نیز روز ۱۲ می (۲۲ اردیبهشت)، ساعت ۱۲ شب در بخش غیررقابتی جشنواره نمایش خواهد داشت. هفتادویکمین جشنواره فیلم کن از تاریخ ۸ می (۱۸ اردیبهشت)، با نمایش فیلم «همه می‌دانند»، جدیدترین ساخته اصغر فرهادی، افتتاح می‌شود و تا ۱۹ می (۲۹ اردیبهشت) ادامه خواهد داشت. امسال «کیت بلانشت» ریاست هیئت داوران بخش رقابتی را، برعهده دارد.

تهران از چشم سوم

● کنتی زرنگین، نویسنده معاصر سوئیسى، روز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت، ساعت ۱۶ مېهمان مرکز فرهنگی و بین‌الملل شهر کتاب است. در این نشست زرنگین بخشی از رمان خود را می‌خواند و درباره چالش‌های نویسندگان زن در ادبیات امروز سوئیس سخن می‌گوید. از علاقه‌مندان دعوت می‌شود برای حضور در این نشست به مرکز فرهنگی شهر کتاب، واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم مراجعه کنند.

اعلام جزئیات مراسم تشییع پیکر ناصر چشم‌آذر

● پیکر زنده‌یاد ناصر چشم‌آذر، آهنگ‌ساز و نوازنده نامی کشورمان که صبح جمعه، ۱۴ اردیبهشت، به علت سکتة قلبی درگذشت، یکشنبه تشییع می‌شود. این مراسم ساعت ۹ صبح روز یکشنبه (شانزدهم اردیبهشت) در تالار وحدت تهران آغاز و سپس پیکر ناصر چشم‌آذر به سمت قطعه هنرمندان بهشت‌زهره (س) تشییع می‌شود.

رونمایی از پوستر «آنتی‌گون»

● **گروه هنر:** از پوستر نمایش «آنتی‌گون» به کارگردانی علی راضی که از امروز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت در سالن سمندریان تماشاخانه ایران‌شهر روی صحنه می‌رود، رونمایی شد. از پوستر این اثر

نمایشی که از سوی سیامک پورجبار طراحی شده است، پیش از آغاز اجرای عمومی «آنتی‌گون» در سالن سمندریان تماشاخانه ایران‌شهر، رونمایی شد. علی راضی نویسنده، طراح و کارگردان «آنتی‌گون»، این اثر را با نگاهی آزاد به نمایش‌نامه «آنتی‌گون» اثر ژان آنوی نوشته است و از ساعت ۱۹ امروز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت آن را در قالب اجرای عمومی به صحنه می‌برد. در نمایش «آنتی‌گون» صابر ابر، نوال شریفی و نالالی متی به ایفای نقش می‌پردازند.

کیومرث پوراحمد: اولین فیلمی که با ناصر چشم‌آذر کار کردم، اولین فیلمم در بخش خصوصی هم بود؛ «لنگرگاه» که تهیه‌کننده‌اش زنده‌یاد فؤاد نور بود. بعد از آن «شکار خاموش»، «قصه‌های مجید»، مجموعه پلیسی « سرنخ» و فیلم سینمایی «خواهران غریب» را کار کردیم. ناصر چشم‌آذر آدمی بود در مرز جنون و نبوغ... با چند آهنگ‌ساز کار کرده‌ام، معمولا اولین قطعه‌ای که برای صحنه‌ای می‌نوشتند همان چیزی نبود که باید باشد. گاه می‌شد قطعه را چندین‌بار تکرار کنند تا دلخواه من از کار دریابید. من هیچ شناخت علمی نسبت به موسیقی ندارم و به شکلی حسی و غریزی موسیقی را (دست‌کم موسیقی فیلم را) خوب می‌شناسم، ولی ناصر صحنه‌ای را که قرار بود برایش موسیقی بسازد چندبار می‌دید و بعد گاه بلافاصله و گاه با فاصله‌ای طولانی (در این فاصله طولانی ممکن بود هر آسمان‌ریسمانی بیاقد، ولی معلوم بود که ذهنش کاملاً درگیر است) می‌رفت سراغ نواختن و همین که دشتش می‌رفت روی کلاویه‌ها، قطعه‌ای که اجرا می‌کرد دقیقاً همان چیزی بود که باید باشد و همیشه هم بهترین قطعه‌ها را برای هر صحنه‌ای می‌ساخت.... به‌هرحال سابقه زیادی در موسیقی داشت، از کودکی نوازندگی کرده بود، برای خواننده‌های بزرگ و محبوب آن زمان ملودی ساخته و تنظیم کرده بود و بعد از انقلاب هم فقط در زمینه موسیقی فیلم کار کرده بود و یکی از یکی بهتر. برای اکثر کارگردان‌های درجه‌یک سینمای ایران کار کرده بود...

ناصر کودکی شصت‌وچندساله بود. زلال و صاف و شفاف و به‌شدت حساس و مهربان. قصه‌های مجید و سرنخ را در خانه پدری‌اش کار کردیم؛ خانه‌ای سه‌طبقه بود توی کوچه‌ای در یکی از فرعی‌های زخت‌ط‌اووس. طبقه اول مادر و خواهرش می‌نشستند که هر دو درگذشتند. طبقه دوم هم دفتر کارش بود که کیبورد و وسایلش را کار می‌کردیم. از صبح تا شب. ناهار با شام را مادر و من در یک اتاق می‌خوردیم و پدرش سفارش می‌دادیم. همیشه موقع غذاخوردن اول سهیم گربه‌ها را پشت پنجره می‌گذاشت. دو، سه‌تا گربه

بودند که همیشه وقت غذا پشت پنجره می‌آمدند و سهمشان را می‌خواستند. ما همیشه بعد از گربه‌ها غذا می‌خوردیم، چون ناصر می‌خواست اول لذت تماشای غذاخوردن گربه‌ها را بجشد، بعد لذت غذا را. ناصر خیلی خیلی احساساتی و مهربان بود. روز‌ها و شب‌های زیادی با هم کار می‌کردیم، هم خیلی زیاد با هم خندیدیم و هم خیلی زیاد گریه کردیم. خاطره‌های زیادی با ناصر دارم که هم‌ااش دلپذیر و دوست‌داشتنی است. زمان ساخت دو فیلم «لنگرگاه» و«شکار خاموش» هنوز کیبوردش را نگرفته بود و با کامپیوتر کار نمی‌کرد و هنوز همه‌چیز شکل قدیم بود، ملودی را روی پیانو می‌نواخت و بعد می‌رقتم سر ضبط در استودیو و من هم گفتم که شناخت علمی از موسیقی ندارم، اما حسی و غریزی موسیقی را می‌شناسم و حساسیت زیادی دارم. سر ضبط گاهی نظر می‌дам. ناصر هم با صبوری و سعه‌صدر ایده‌های مرا رعایت می‌کرد. سر میکس موسیقی کار شکل نهایی‌اش را پیدا کرده بود و من بیشتر فضولی می‌کردم. در این مرحله ناصر هر قطعه‌ای که مورد اختلاف‌نظر بود به دو شکل میکس می‌کرد؛ شکلی که من می‌پسندیدم و شکلی که موردنظر خودش بود که

در مرز جنون و نبوغ

دررثای ناصر چشم‌آذر



بعد دست‌وپالم باز باشد و از هرکدام که خواستم سهمشان را می‌خواستند. ما همیشه بعد از گربه‌ها غذا می‌خوردیم، چون ناصر می‌خواست اول لذت تماشای غذاخوردن گربه‌ها را بجشد، بعد لذت غذا را. ناصر خیلی خیلی احساساتی و مهربان بود. روز‌ها و شب‌های زیادی با هم کار می‌کردیم، هم خیلی زیاد با هم خندیدیم و هم خیلی زیاد گریه کردیم. خاطره‌های زیادی با ناصر دارم که هم‌ااش دلپذیر و دوست‌داشتنی است. زمان ساخت دو فیلم «لنگرگاه» و«شکار خاموش» هنوز کیبوردش را نگرفته بود و با کامپیوتر کار نمی‌کرد و هنوز همه‌چیز شکل قدیم بود، ملودی را روی پیانو می‌نواخت و بعد می‌رقتم سر ضبط در استودیو و من هم گفتم که شناخت علمی از موسیقی ندارم، اما حسی و غریزی موسیقی را می‌شناسم و حساسیت زیادی دارم. سر ضبط گاهی نظر می‌дам. ناصر هم با صبوری و سعه‌صدر ایده‌های مرا رعایت می‌کرد. سر میکس موسیقی کار شکل نهایی‌اش را پیدا کرده بود و من بیشتر فضولی می‌کردم. در این مرحله ناصر هر قطعه‌ای که مورد اختلاف‌نظر بود به دو شکل میکس می‌کرد؛ شکلی که من می‌پسندیدم و شکلی که موردنظر خودش بود که

بودند که همیشه وقت غذا پشت پنجره می‌آمدند و سهمشان را می‌خواستند. ما همیشه بعد از گربه‌ها غذا می‌خوردیم، چون ناصر می‌خواست اول لذت تماشای غذاخوردن گربه‌ها را بجشد، بعد لذت غذا را. ناصر خیلی خیلی احساساتی و مهربان بود. روز‌ها و شب‌های زیادی با هم کار می‌کردیم، هم خیلی زیاد با هم خندیدیم و هم خیلی زیاد گریه کردیم. خاطره‌های زیادی با ناصر دارم که هم‌ااش دلپذیر و دوست‌داشتنی است. زمان ساخت دو فیلم «لنگرگاه» و«شکار خاموش» هنوز کیبوردش را نگرفته بود و با کامپیوتر کار نمی‌کرد و هنوز همه‌چیز شکل قدیم بود، ملودی را روی پیانو می‌نواخت و بعد می‌رقتم سر ضبط در استودیو و من هم گفتم که شناخت علمی از موسیقی ندارم، اما حسی و غریزی موسیقی را می‌شناسم و حساسیت زیادی دارم. سر ضبط گاهی نظر می‌дам. ناصر هم با صبوری و سعه‌صدر ایده‌های مرا رعایت می‌کرد. سر میکس موسیقی کار شکل نهایی‌اش را پیدا کرده بود و من بیشتر فضولی می‌کردم. در این مرحله ناصر هر قطعه‌ای که مورد اختلاف‌نظر بود به دو شکل میکس می‌کرد؛ شکلی که من می‌پسندیدم و شکلی که موردنظر خودش بود که

در اختتامیه جشن کانون کارگردانان خانه تئاتر بزرگداشت ژاله علو و محمد کوثر



مدالیوم کانون کارگردانان خانه تئاتر به وی تقدیم شد. پس از تقدیر از پیش‌کسوتان، سه گروه نمایش «کلفت‌ها»، «چه کسی از ویرجینیا ولف می‌ترسد» و «مده آ» جوایز خود را دریافت کردند. بزرگداشت شادروان محمد کوثر برنامه دیگر جشن بود. ایرج راد درباره محمد کوثر گفت: من شاگرد او نبودم، اما او یکی از کسانی است که به تئاتر ایران خدمات زیادی کرده و شاگردان بزرگی را پرورانه است.

سپس کانون کارگردانان مدالیوم دیگر خود را که به دکتر محمد کوثر اختصاص داده بود، به اصغر همت، مدیرعامل خانه تئاتر، داد تا به دست دختر محمد کوثر برساند. اصغر همت نیز ضمن گرامیداشت یاد دکتر کوثر، گفت: در آینده خواهیم فهمید که جامعه تئاتر چه استاد بزرگی را از دست داده است. در ادامه جشن محمودرضا رحیمی از محمد برومند، برگزارکننده اولین جشنواره عروسکی مشهد به نام جیگی جیگی، تقدیر و تشکر کرد. در پایان جشن نیز گروه وصل یار برای دومین اجرای خود به روی صحنه رفتند. ابراهیم اثباتی، سرپرست این گروه، پیش از اجرا، یاد و نام ناصر چشم‌آذر را گرامی داشت و حضار به احترام این موسیقیدان بزرگ لحظاتی را ایستاندن و سکوت کردند.

استمرار اجرای‌های فصلی برای تئاتر خیابانی

مراسم جشن کانون نمایشگران تئاتر خیابانی با حضور مدیرعامل مرکز هنرمندانی نمایشی، شهرام کریمی و سهراب سلیمی، دبیر جشن و جمعی از پیش‌کسوتان و فعالان این حوزه تئاتر برگزار شد.

در این مراسم، گروه موسیقی ایما به سرپرستی داود اسداللهی اجرای

را نواخت، دقیق و درست، من خوشحال شدم که بالاخره کار انجام شد، ولی ناصر ناراضی بود. گفت این قطعه را ماشین نواخته و تفاوت حسی زیادی دارد با نواختن انسان. ناصر می‌گفت دست آدم با ذهنش ارتباط دارد و تفاوت زیادی هست بین نواختن ماشین با انسان. ناصر رها نکرد و آن‌قدر آن قطعه طولانی را نواخت که بالاخره دقیق و درست درآمد. ناصر این وسواس‌ها را زیاد در کارش داشت و از بهترین‌های موسیقی بود و با بهترین‌ها در سینمای ایران کار کرد...

اما درضمن ناصر آدم مودی‌ای هم بود مثل اکثر ما. گاهی خوب بود و گاهی خشن می‌شد و دادوبیداد می‌کرد. از زمانی که ناصر با شیرین احمدلو (خواهر شاه) ازدواج کرد، زندگی‌اش تغییر کرد و شیرین خیلی خیلی صبوری و تحمل کرد تا کم‌کم قلق ناصر آمد دستش و از آن به‌بعد این شیرین‌خانم بود که ناصر را و همه زندگی را مدیریت می‌کرد با دست‌کم این چیزی بود که ما از بیرون می‌دیدیم. ناصر کنسرتی داشت در سالن دو هزار نفره برج میلاد که روی پله‌ها هم آدم نشست بود ...

توی آن کنسرت به‌خوبی مشهود بود که همه چیز را شیرین مدیریت می‌کند. همه چیز خیلی خوب برگزار شد. شیرین‌جان، در ۳۰ سال گذشته امروز سومین‌بار بود که از ته دل های‌های گریه کردم، ۳۰ سال پیش در مرگ پدرم، سال‌ها پیش در مرگ محمود اسدی که سگ صبور همه زندگی‌ام بود و امروز هم در مرگ ناصر که از بندبند وجودش عشق و صفا و مهربانی تراوش می‌کرد. به‌خاطر رنج‌هایی که برای سرپا نگهداشتن ناصر متحمل شدی - همه سینمای ایران - مدیون تو نازنین‌بانو هستد. تو برای ناصر «رعنا» را آوردی. چقدر ناصر دوست داشت، درواقع بزرگ‌ترین آرزویش داشتن یک دختر بود، آن هم دختری مثل رعنا که تو به ناصر دادی. سیاس بانو، سیاس به‌همراه همدردی عمیق. جای ناصر برای همیشه، برای همه‌مان خالی خواهد بود و البته تا همیشه ماندگار خواهد بود با آثار درخشانی که در موسیقی پاپ و موسیقی متن فیلم و جاودانه «ارمان عشق» از خودش به یادگار گذاشت و یادگارهای ارزنده‌تری برای دوستان نزدیکش؛ شیرین و رعنا.

خود را به روح بلند ناصر چشم‌آذر، موسیقیدان نام‌آشنای موسیقی ایران که ۱۴ اردیبهشت به دیار باقی شتافت، تقدیم کرد. در ادامه بهزاد فراهانی و امیرحسین شفیعی دعوت شدند تا مدالیوم خانه تئاتر را به محمد‌های عطایی اهدا کنند. محمد‌های عطایی ضمن ابراز خوشحالی این تندیس را به پدر، مادر و همسرش تقدیم کرد. همچنین از سهراب سلیمی و شهاب راحله دعوت شد تا از مجید امرایی به پاسداشت چند سال کار حرفه‌ای و هنری تقدیر شود. دکتر امرایی در صحبت‌های کوتاهی از دست‌اندارگان و حضار تقدیر و تشکر کرد. رونمایی از کتاب عسل عصری‌ملکی از س‌وی کاظم شه‌بازی و بهزاد فراهانی با عنوان «جایگاه و نقش‌های زنانه» و اجرای گروه حرکت به سرپرستی محسن شاهد از جمله برنامه‌های جشن بود.

سپس در بخش اهدای جوایز از سامان خلیلیان مجید امرایی، عباس درویش‌نژاد، عباس عظیمی، شهرام کرمی و مرتضی وکیلیان دعوت شد تا از فعالان استان‌ها ازجمله مرتضی اسدی‌مرام، سعید خیراللهی و ابراهیم نصیری تقدیر کرد. سامی برگزیدگان نهایی سال ۹۶ انجمن نمایشگران خیابانی به شرح زیر است:

•برگزیده در بخش نویسندگی، احمد صمیمی
•برگزیده در بخش کارگردانی، حمید رضایی
•برگزیده در بخش بازیگری مرد، مصطفی کولیوند
•برگزیده در بخش بازیگری زن، زهرا غلامی

دربخش فعالان تئاتر خیابانی

از محمود عباس‌زاده، حامد ولی‌لو، پروانه علی ضامنی، اکبر قهرمانی، سیدمحمود موسوی و علیرضا دهقانی تقدیر شد.

در بخش تقدیر از پیش‌کسوتان نیز عباس عظیمی از آتش تقی‌پور، فریده سپاه‌منصور و محمدباقر کریم‌پور تقدیر و تجلیل به عمل آورد.

در بخشی دیگر، کانون خانه تئاتر خیابانی از شهرام کرمی، مدیرکل مرکز هنرهای نمایشی، توسط بهزاد فراهانی، شهاب راحله، سامان خلیلیان تقدیر و تجلیل کرد. شهرام کرمی در پایان جشن با آرزوی بهترین‌ها برای تئاتر خیابانی گفت: دغدغه‌های بسیاری برای تئاتر خیابانی از سال‌ها پیش وجود داشت، اما در این چند سال اخیر رشد بسزایی داشته و این حاصل تلاش شما بزرگواران بوده بدون هیچ چشم‌داشتی و اینکه وظیفه کت‌ک ماست که برای هنرمندان تئاتر خیابانی استمرار اجراهای فصلی را به کمک یکدیگر در همین سال جاری به مرحله اجرایی برسانیم و شاهد رشد و توسعه این هنر باشیم.



نگاه

هفت‌خان انتخابات خانه تئاتر

بخش یابانی

● **خان پنجم:** به‌نظر می‌رسد خانه تئاتر از حفظ وضع موجود چندان هم ناراضی نباشد، چراکه تمایل ویژه‌ای به افزایش تعداد اعضا نشان نمی‌دهد. برای مثال از تشکیل انجمن‌های تازه، برای جذب هنرمندانی که هنوز متشکل نشده‌اند، نظیر «انجمن استادان و مدرسان تئاتر» و... استقبالی نکرده یا در مورد پیگیری و دعوت مستقیم، با انتشار فراخوان و اطلاع‌رسانی عمومی مناسب، با ایجاد تسهیلات لازم و تشویقی، برای بازگشت منفک‌شدگان یا عضویت اعضای جدید در این خانه، سابقه‌ای وجود نداشته و مشاهده نمی‌شود. بلکه برخلاف دیگر تشکیلات مشابه و حتی سازمان‌هایی بسیار کوچک، هنوز امکانی برای انجام حداکثر امور ممکن از طریق اینترنت و بدون نیاز به مراجعه حضوری فراهم نشده، با مثلا فرم‌ها و اطلاعات لازم برای تسریع و تسهیل امور و آگاهی افراد چه منفک‌شده‌ها و چه افراد باسابقه که گویا تسهیلاتی برایشان پیش‌بینی شده و البته به‌درستی اطلاع‌رسانی نشده و چه اعضای جدید، ایجاد نشده است و همچنان این انتظار وجود دارد که افراد با مراجعات حضوری غیرضروری، نامه در دست بی‌و آگاهی از پروسه در انتظار ... در راه‌روهایی این خانه سرگردان شوند. قطعا ارائه آمار جذب هنرمندان تئاتر در هر سال می‌تواند مؤید یا مکذب چنین مطلبی باشد. به‌نظر می‌رسد مقاومت پنهان و البته نه‌چندان متعمدانه در برابر گسترش خانه، از مسائلی است که موجب کاهش احتمال تغییر و افزایش احتمال حفظ وضع موجود شده است.

خان ششم: خانه تئاتر مانند هر تشکیلاتی از یک زاویه، دارای دو گروه از اعضاست، اعضایی که با حضورشان به این خانه نشان و اعتبار می‌بخشند و اعضای کم‌سابقه‌تر و ناشناخته یا کمترشناخته‌شده که با حضورشان از این خانه مشروعیت و اعتبار می‌گیرند که امری بدیهی است و کمترین ایرادی هم بر آن وارد نیست. گذشته از آنکه تعداد افراد گروه دوم چندین برابر گروه اول است. بر مبنای اساس‌نامه فعلی، هر یک از اعضا، هر دوی این گروه‌ها در جهت‌دهی به آینده خانه تئاتر، از حق رای و تأثیری برابر برخوردارند. مثلا نویسنده و کارگردانی که پس از سال‌ها فعالیت و به دشواری بسیار، توانسته در چند نمایش حضور داشته و مشارکت کند با بازیگر یا هنرمندی جوان و تازه‌کار که از طریق همکاری در گروه همسرایان، همراهان، حرکات موسوزن، نوازندگان و... مسسلمان با شرایطی به‌مراتب سهلاتر در همان تعداد نمایش، مشارکت داشته، بی‌توجه به تفاوت جایگاه این افراد در شناخت از وضعیت تئاتر و کاندید‌اها، در موقعیتی برابر قرار می‌گیرند. درحالی‌که اعضای گروه دوم پیکرانه اخبار را دنبال کرده، در تنها فرصت امکان حضور و مشارکتشان، موقعیت را مغتنم شمرده و حتما حضور می‌یابند و به هر نحو تا انتهای انتخابات حاضر خواهند ماند؛ اعضای اعتباربخش یا به دلیل عدم اطلاع یا در صورت اطلاع، عدم تمایل به شرکت و حضور در مجامع و حتی در صورت شرکت، به دلیل مثلا تأخیرهای طولانی در آغاز جلسه یا بی‌نظمی و به درازا کشیده‌شدن و برگزاری نامناسب جلسه و...، به‌هرحال امکان مشارکت مؤثر در انتخابات را از دست داده یا وامی‌گذارند. به‌نحوی‌که عملا خطمشی آینده خانه با رای و نظر گروه دوم تعیین می‌شود، درحالی‌که بسیاری از آنان، شناخت مناسبی از وضعیت تئاتر و کاندیداها ندارند و تنها براساس شهرت یا جو حاکم بر جلسه، اتخاذ تصمیم می‌کنند که خود موجب کاهش احتمال تغییر و افزایش احتمال حفظ وضع موجود شده است.

خان هفتم: با وجود شش‌ش خانی که برشمردم و حتی امکان برشمردن خان‌های بیشتر، با برشمردن آخرین خان به این مطلب پایان می‌دهم. با چنین ساختار عملا غیرقابل تغییری، بحث عدم شفافیت و نظارت و برگزاری نامناسب انتخابات و برخی بی‌توجهی‌ها و حتی تخلفات آشکار و مغایر با اساس‌نامه (درحالی‌که در برخورد با منتقدان از آن مانند متنی ویژه و از سویی دیگر چون چماق استفاده می‌شود) هفتمین خان است. توجه کنید که در فاصله کمتر از یک ماه به برگزاری انتخابات، برای تعدادی معدود از کاندید‌اها، از محل بودجه خانه تئاتر، شرایطی فراهم می‌آورند که بتوانند با انتخابی بین اعضای شرایط کار و پرداخت مبلغی هرچند کوچک، آنان را به‌نحوی‌نمک‌بکر کنند و در مجامع و تبلیغات رسانه‌ای، بهانه‌ای برای حضور و ابزار وجود پیدا کنند. این امر نه‌تنها بی‌ملاحظگی و بی‌دقتی و تضییع بی‌چون و چ‌رای حق دیگر کاندیداهاست که در برخی موارد، تخرلفی آشکار و محرز آن هم از جانب کسانی است که وظیفه برخورد با متخلخلان را برعهده دارند و معلوم نیست که از آنان نزد چه کسی باید شکایت برد؟! ایجاد فرصتی نابرابر برای برخی کاندیداها به‌منظور حضوری بیش از دیگر کاندیداها، در جلسه انتخابات که با هیچ عدالتی سازگار نیست و برگزاری غیردقیق، غیرشفاف و پرشابنه و حتی در مواردی خلاف نص صریح اساس‌نامه که بی‌آنکه بحث و ادعایی در مورد تقلب وجود داشته باشد، حداقل شفاف و عاری از شبانه نیست، درحالی‌که تمامی این موارد به‌سادگی قابل پیشگیری و رفع است، از دلایل دیگری است که موجب کاهش احتمال تغییر و افزایش احتمال حفظ وضع موجود شده است. بنا بر آنچه آمد «گر تو بهتر می‌زنی، بستان بز» مصداق مناسب و چندان در موضوع انتخابات خانه تئاتر ندارد. تنها امکان تغییر بسیار دشوار این موازنه و گذر رستم‌وار از این خان‌ها، امید به حضور مسئولانه و کسب آگاهی و آگاهی‌بخشی جامعه تئاتر است. جامعه تئاتر نباید این فرصت و موقعیت هرچند سخت و دشوار را از دست دهد.